

تحلیل ساختاری و محتوایی نامه‌های شاهنامه فردوسی

امید مجد^{۱*}، مریم فتحعلی‌پور سالویی^۲، محمد فتحعلی‌پور سالویی^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۵، صص ۲۸۷-۳۰۳

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.8029>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

هدف و زمینه: پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق و نظام‌مند نامه‌های کتبی در شاهنامه فردوسی انجام شده است. نامه‌ها در شاهنامه بخشی از ساخت روایت و وسیله‌ای برای شکل دادن به روابط شخصیت‌ها، بیان دیدگاه قدرت، و انعکاس ارزشهای اخلاقی و فرهنگی هستند. با وجود اینکه این بخش از متن سهم قابل توجهی در پیشبرد داستان دارد، کمتر پژوهشی به صورت یکپارچه به تحلیل همه نامه‌ها پرداخته است و معمولاً تنها چند نامه مشهور مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو، ضرورت پژوهشی جامع که هم ساختار و هم محتوای نامه‌ها را در کنار هم تحلیل کند، احساس می‌شود.

روش تحقیق: این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از تحلیل محتوای کیفی و کمی به طور همزمان بهره گرفته است. در مرحله نخست، با مراجعه به متن انتقادی شاهنامه (چاپ جلال خالقی مطلق)، ۷۴ نامه کتبی به همراه تمامی ویژگیهای ساختاری و روایی آنها استخراج شد. سپس برای هر نامه، اطلاعاتی چون الگوی آغاز، بدنه و پایان، نوع مضمون، لحن، طول، نسبت اجتماعی میان فرستنده و گیرنده و جایگاه آن در روایت ثبت گردید. داده‌ها پس از کدگذاری در قالب محورهای سه‌گانه ساختار، محتوا و کارکرد تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر نامه‌ها از الگوی سه‌گانه آغاز، بدنه و پایان پیروی می‌کنند و این خود نشان‌دهنده ریشه داشتن یک سنت دبیری در متن شاهنامه است. بررسی لحنها نیز بیانگر غلبه دو لحن تهدیدی و نرم است که نشان می‌دهد روابط قدرت و روابط اخلاقی در کنار یکدیگر روایت را سامان می‌دهند. از نظر نقش روایی، برخی از نامه‌ها آغازگر رخدادها، اصلیند، برخی تنش و بحران جدیدی ایجاد می‌کنند و گروهی دیگر به گره‌گشایی و ساماندهی پایان روایت می‌انجامند. این موضوع بیان می‌کند که نامه‌ها نقش فعالی در ساخت پیرنگ شاهنامه دارند و تنها وسیله انتقال پیام نیستند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فردوسی از قالب نامه برای بیان دیدگاههای اخلاقی، سیاسی و انسانی خود بهره برده و نامه‌ها در شاهنامه جایگاهی فراتر از یک ابزار ساده ارتباطی دارند. ساختار منسجم آنها بیانگر تسلط شاعر به شیوه‌های رسمی نامه‌نگاری و سنت دبیری ایران باستان است، و تنوع مضامین، لحنها و روابط میان شخصیتها نشان می‌دهد که نامه‌ها بخشی جدی از معماری روایی شاهنامه محسوب می‌شوند.

تاریخ دریافت: ۰۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۰۳ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۱ آبان ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

شاهنامه، فردوسی، نامه نگاری، تحلیل ساختاری، تحلیل محتوایی، کارکرد روایی.

* نویسنده مسئول:

majdomid@ut.ac.ir

۶۱۱۲۵۰۴ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Structural and Content Analysis of the Letters of Ferdowsi's Shahnameh

O. Majd*¹, M. Fathalipour Salovee², M. Fathalipour Salovee¹

1- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 July 2025

Reviewed: 25 August 2025

Revised: 09 September 2025

Accepted: 23 October 2025

KEYWORDS

Shahnameh, Ferdowsi, epistolary writing, structural analysis, content analysis, narrative function.

*Corresponding Author

✉ majdomid@ut.ac.ir

☎ (+98 21) 61112504

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The present study aims to conduct a detailed and systematic study of written letters in Ferdowsi's Shahnameh. Letters in Shahnameh are part of the narrative structure and a means of shaping the relationships between characters, expressing the perspective of power, and reflecting moral and cultural values. Although this part of the text makes a significant contribution to advancing the story, few studies have analyzed all the letters in an integrated manner, and usually only a few famous letters have been examined. Hence, the need for a comprehensive study that analyzes both the structure and content of the letters is felt.

METHODOLOGY: This research was conducted based on the descriptive-analytical method and used qualitative and quantitative content analysis simultaneously. In the first stage, by referring to the critical text of Shahnameh (published by Jalal Khaleghi Motlaq), 74 written letters were extracted along with all their structural and narrative features. Then, for each letter, information such as the pattern of the beginning, body and end, type of content, tone, length, social relationship between the sender and the receiver and its position in the narrative were recorded. After coding, the data were analyzed in the form of the three axes of structure, content and function.

FINDINGS: The findings of the study show that most of the letters follow the three-fold pattern of beginning, body, and end, which indicates the roots of a writing tradition in the Shahnameh text. The study of tones also indicates the dominance of two tones: threatening and soft, which shows that power relations and moral relations together organize the narrative. In terms of narrative role, some letters initiate main events, some create new tension and crisis, and others lead to unraveling and organizing the ending of the narrative. This indicates that letters play an active role in constructing the plot of the Shahnameh and are not the only means of conveying the message.

CONCLUSION: The results of the research show that Ferdowsi used the letter format to express his moral, political, and humanistic views, and that letters in the Shahnameh have a place beyond a simple communication tool. Their coherent structure reflects the poet's mastery of the formal letter-writing methods and the secretarial tradition of ancient Iran, and the diversity of themes, tones, and relationships between characters shows that letters are a serious part of the narrative architecture of the Shahnameh.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.8029>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 0	 0

مقدمه

شاهنامه فردوسی از برجسته‌ترین آثار حماسی جهان و شاهکار بی‌بدیل ادب فارسی است که قرن‌هاست بر تارک فرهنگ ایرانی میدرخشد. این اثر سترگ نه تنها تاریخ و اسطوره‌های ایران باستان را زنده نگاه داشته، بلکه به پاسداشت زبان فارسی و هویت ملی ایرانیان نیز یاری رسانده است. فردوسی با سرودن شاهنامه کوشیده است روایتی پیوسته و منسجم از گذشته اساطیری و تاریخی ایران ارائه دهد. در دل این حماسه بزرگ، عناصر متنوعی همچون نبردها، گفتگوها، اندرزها و نامه‌ها وجود دارند. نامه نگاری به عنوان یکی از این عناصر، جایگاهی ویژه در ساختار روایی شاهنامه دارد؛ نه تنها برای رساندن پیام، بلکه برای نمایش روابط اجتماعی، قدرت سیاسی و حالات عاطفی شخصیتها.

بیان مسئله

در طول قرنهای گذشته، پژوهشگران فراوانی به بررسی جنبه‌های زبانی، تاریخی و حماسی شاهنامه پرداخته‌اند، اما موضوع «نامه نگاری» کمتر به صورت مستقل و نظام‌مند بررسی شده است. بیشتر تحقیقات پیشین، به ذکر نمونه‌هایی از نامه‌ها و کارکرد کلی آنها در صحنه‌های جنگی یا سیاسی بسنده کرده‌اند در حالیکه نامه‌ها، علاوه بر کارکرد سیاسی، دارای ارزشهای ادبی و اخلاقی و بازتابی از ادب دبیری، فرهنگ گفتگو، و روابط انسانی در جامعه ایران باستان محسوب میشوند. پژوهش حاضر با تحلیل دقیق و جزئی، میکوشد به این پرسش پاسخ دهد که نامه نگاری در دو جنبه ساختاری و محتوایی در شاهنامه چگونه بازنمایی شده است؟ و چه الگوهایی را در ساختار روایت و اخلاق پهلوانی نشان میدهد به عبارتی دیگر، هدف این پژوهش نه صرفاً شمارش نامه‌ها، بلکه تحلیل جایگاه و کارکرد آنها در بافت داستانی و فکری شاهنامه است.

ضرورت پژوهش

در شاهنامه بیش از هفتاد نامه کتبی وجود دارد که مجموعاً حدود سه هزار بیت از کل ابیات را در بر میگیرند. این حجم از داده، نشان میدهد که نامه نگاری نه عنصری فرعی، بلکه جزئی اساسی از ساختار روایی شاهنامه است. فردوسی از طریق نامه، مناسبات سیاسی و نظامی، روابط شخصی و خانوادگی، و حتی اندرزهای اخلاقی و انسانی را بیان کرده است. با تحلیل این نامه‌ها میتوان دریافت که چگونه شاعر، مفهوم «گفتگو» را در متن حماسی وارد میکند و روایت را از سطح نبردهای فیزیکی به سطح تعامل اندیشه‌ها و ارزشها ارتقا میدهد. از سوی دیگر، مطالعه ساختار نامه‌ها (آغاز، بدنه و پایان)، و محتوای آنها (موضوع، هدف، لحن و فرستنده/گیرنده)، میتواند به شناخت نظام فکری و دیوانی ایران کهن نیز کمک کند؛ زیرا بسیاری از این نامه‌ها بازتابدهنده زبان و ادب دبیری در دربارهای اسطوره‌ای و تاریخی هستند.

بنابراین ضرورت انجام چنین پژوهشی در آن است که از رهگذر تحلیل ساختاری و محتوایی نامه‌ها، بتوان بخشی از منطق درونی روایت شاهنامه و اندیشه اخلاقی و انسانی فردوسی را آشکار کرد

پیشینه تحقیق

نامه نگاری در شاهنامه از جمله موضوعاتی است که با وجود اهمیتش، کمتر به طور جامع و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نخستین پژوهشهای مربوط به این حوزه را میتوان در آثار پژوهشگران معاصر همچون دکتر قدمعلی سرامی، منصور رستگار فسایی، جلیل راشد محصل و ابوالفضل معین الدینی مشاهده کرد.

سرامی در کتاب از رنگ گل تا رنج خار، به صورت نسبتاً جامع به تحلیل محتوای نامه‌ها پرداخته و ضمن شمارش موارد نامه نگاری در شاهنامه، به کارکردهای اخلاقی و انسانی آنها نیز اشاره کرده است. رستگار فسایی در کتاب بیست و یک گفتار درباره شاهنامه فردوسی، با تأکید بر جنبه‌های تاریخی و حماسی، نامه‌ها را بخشی از فضای دیوانی و حکومتی ایران کهن می‌داند. راشد محصل در مقاله پیام نامه‌ها در شاهنامه فردوسی، به طبقه‌بندی انواع نامه‌ها بر اساس مضمون پرداخته است؛ از جمله نامه‌های تهدیدی، صلح‌جویانه و عاطفی. معین‌الدینی نیز در مقاله انواع نامه در شاهنامه، با رویکردی ساختاری، اجزای آغاز، بدنه و پایان نامه‌ها را بررسی کرده است. به جز این پژوهش‌ها، مقالات و پایان نامه‌های دیگری نیز وجود دارند که با نگاهی زبانشناسانه یا گفتمانی، به تحلیل لحن و واژگان نامه‌های شاهنامه پرداخته‌اند. با این حال، آنچه در این پژوهش تفاوت ایجاد می‌کند، ترکیب دو رویکرد ساختاری و محتوایی و تلاش برای ارائه تصویری جامع از هر دو جنبه است.

مبانی نظری پژوهش

این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است؛ یعنی ابتدا تمام نامه‌های کتبی شاهنامه از متن انتقادی جلال خالقی مطلق استخراج شده، سپس با نگاهی دقیق به ساختار، محتوا و نقش آنها در روایت تحلیل گردیده است. در واقع، رویکرد پژوهش مبتنی بر این اصل است که هر نامه در شاهنامه را میتوان چون «واحدی مستقل در روایت» در نظر گرفت که هم از نظر شکل زبانی و ادبی، و هم از نظر نقش داستانی و ارتباطی، حامل معناست.

الف) محور ساختاری

در این محور، الگوی سه‌گانه آغاز، بدنه و پایان برای همه نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در اغلب موارد، نامه‌ها چنین نظم‌ی دارند:

- ۱- آغاز با یاد خداوند یا حمد الهی و درود بر گیرنده؛
- ۲- بدنه شامل بیان اصل پیام (دستور، هشدار، اندرز یا درخواست)؛
- ۳- پایان با دعا، تهدید، یا نتیجه‌گیری.

این ساختار در بیشتر نامه‌ها تکرار می‌شود و نشان‌دهنده وجود سنتی تثبیت شده در ادب دبیری ایران باستان است؛ جایی که رعایت آداب آغاز و ختم در نگارش نامه، نوعی ادب و سیاست گفتاری محسوب می‌شده است. در نتیجه، میتوان گفت که نامه‌ها در شاهنامه نه تنها حامل پیام محتوایی، بلکه نمایشگر آگاهی فردوسی از سنت نگارش رسمی و آیینی روزگار خویش نیز هستند.

ب) محور محتوایی

در تحلیل محتوایی، نامه‌ها بر اساس هدف و مضمون به چند دسته تقسیم شده‌اند که این طبقه‌بندی حاصل داده‌پردازی پژوهش است:

- پیغام جنگی یا تهدیدی (حدود ۲۵٪)؛
- نامه‌های صلح و سیاست‌ورزی (حدود ۲۰٪)؛
- نامه‌های استرحامی و درخواست یاری (حدود ۲۰٪)؛

• نامه‌های استدعایی و دیوانی (حدود ۱۵٪)؛

• نامه‌های عاشقانه یا عاطفی (حدود ۱۰٪)؛

• نامه‌های متفرقه (حدود ۱۰٪).

این تقسیم بندی نشان می‌دهد که فردوسی، از نامه به عنوان ابزاری برای بازتاب طیف وسیعی از روابط انسانی و اجتماعی بهره برده است: از قدرت و سیاست گرفته تا عشق، پند و شکایت. بدین ترتیب، نامه در شاهنامه وسیله ای برای گفتگو میان لایه‌های مختلف اجتماع است؛ پادشاه با فرمانبر، پهلوان با شاه، یا پدر با فرزند. این ویژگی باعث می‌شود نامه‌ها آینه‌ای از ساختار طبقاتی، اخلاقی و سیاسی جامعه ایران باستان باشند.

ج) محور کارکردی

از دیدگاه کارکردی، نامه‌ها در شاهنامه نه به عنوان اجزایی تزئینی، بلکه به مثابه عامل حرکت در روایت عمل می‌کنند. هر نامه در نقطه ای از داستان قرار می‌گیرد که تحولی در جریان حوادث به وجود می‌آید. به عنوان نمونه:

• نامه فریدون به سلم و تور، آغازگر زنجیره انتقام است؛

• نامه کاووس به شاه مازندران، تنش جدیدی در پیرنگ ایجاد می‌کند؛

• نامه زال به سام، باعث تغییر دیدگاه پدر و زمینه ساز ازدواج زال و رودابه می‌شود؛

• نامه کیخسرو به رستم، مأموریت نجات بیژن را رقم می‌زند.

به همین دلیل، میتوان گفت که نامه‌ها در شاهنامه کارکردی «روایت محور» دارند؛ یعنی هر نامه، گره افکنی یا گره‌گشایی خاصی را در سیر داستان ایجاد می‌کند.

جایگاه پژوهش کنونی در میان مطالعات پیشین

با بررسی منابع و پژوهشهای قبلی مشخص می‌شود که هرچند به موضوع نامه نگاری در شاهنامه اشاره شده، اما هیچیک از آثار پیشین، تحلیل جامع ساختار و محتوا را به طور همزمان انجام نداده اند. برای نمونه، پژوهشهای سرامی و راشد محصل بیشتر بر جنبه محتوایی متمرکز بوده اند؛ معین الدینی به ساختار ظاهری نامه‌ها پرداخته، و رستگار فسایی بیشتر نگاه تاریخی و دیوانی داشته است.

پژوهش حاضر برای نخستین بار تلاش کرده است که با تکیه بر همه نامه‌های کتبی، این دو جنبه را در کنار هم بسنجد و نتایج کمی و کیفی را تلفیق کند.

دستاوردهای روش‌شناسانه پژوهش

۱. جمع آوری کامل داده‌ها: در این تحقیق، همه نامه‌های کتبی شاهنامه به صورت یکدست و نظام‌مند استخراج شده اند (۷۴ مورد) و بر اساس معیارهای مشخص، فهرست و طبقه بندی شده اند.

۲. طرح کدگذاری ساختار و محتوا: برای هر نامه، عناصر سه گانه آغاز، بدنه و پایان شناسایی و ثبت شده و همزمان، نوع مضمون (جنگی، استرحامی، صلح و غیره) و لحن (تهدیدی، نرم، رسمی، عاطفی) تعیین گردیده است.

۳. نمایه سازی آماری: از داده‌های گردآوری شده، نمودارها و جدولهایی استخراج شده‌اند که نشان دهنده نسبتهای آماری میان انواع نامه‌ها، لحنها و موقعیتهای اجتماعی فرستندگان و گیرندگان هستند؛ مانند اینکه

بیشترین نامه‌ها از سوی بالادست به پایین دست (۴۵٪) ارسال شده و لحن تهدیدی و نرم (هرکدام حدود ۲۵٪) بیشترین بسامد را دارند.

۴. تلفیق تحلیل کیفی و کمی: پژوهش هم از شواهد آماری بهره برده، و هم از تحلیل محتوایی و بلاغی نمونه‌ها برای توضیح تفاوتها و شباهتهای موجود.

جامعه پژوهش و روش گردآوری داده‌ها

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی نامه‌های کتبی شاهنامه است. در این پژوهش، نامه‌هایی انتخاب شده‌اند که به صورت صریح در متن با تعبیرهایی مانند نامه فرمود، پیام داد، نبشت و بخواند آمده‌اند. با مرور دقیق کل شاهنامه بر اساس چاپ جلال خالقی مطلق، تعداد ۷۴ نامه کتبی شناسایی و استخراج گردید. از میان آنها، هیچ موردی حذف نشده و همه در فرایند تحلیل وارد شده‌اند. داده‌ها از دو منبع اصلی گردآوری شده‌اند:

۱. متن اصلی شاهنامه (چاپ خالقی مطلق): برای استخراج مستقیم ابیات مربوط به نامه‌ها.
۲. منابع پژوهشی مرتبط: شامل آثار سرامی، رستگار فسایی، راشد محصل، معین الدینی و دیگر پژوهشگران که به صورت موردی درباره نامه‌ها سخن گفته‌اند.

در مرحله نخست، فهرستی از همه نامه‌ها تهیه شد. سپس برای هر نامه، موارد زیر ثبت گردید:

- نام فرستنده و گیرنده،
- موقعیت داستانی،
- آغاز، بدنه و پایان،
- موضوع و مضمون اصلی،
- لحن و نوع خطاب،
- تعداد ابیات.

این داده‌ها در جدولی منظم گردآوری شدند تا برای تحلیلها بعدی مورد استفاده قرار گیرند.

معیارهای انتخاب و واحد تحلیل

واحد تحلیل در این پژوهش، هر نامه کتبی مستقل است. نامه‌هایی که به صورت پیام شفاهی یا گفتگوی مستقیم آمده‌اند، از دایره پژوهش کنار گذاشته شده‌اند.

همچنین، در انتخاب نمونه‌ها، نامه‌هایی مدنظر قرار گرفته‌اند که در ساختار روایت نقش آشکار داشتند، نه صرفاً ذکر کوتاه از «پیام دادن».

در هر مورد، معیارهای زیر لحاظ شده است:

۱. ذکر فعلها دلالت کننده بر نوشتار (نوشت، فرمود، فرستاد، بخواند).
۲. وجود متن نامه در ابیات بعدی.
۳. دارا بودن سه بخش آغاز، بدنه و پایان (حتی به شکل خلاصه).
۴. پیوستگی معنایی با روایت اصلی (نه حاشیه یا بازگویی ثانوی).

ابزار تحلیل و طرح کدگذاری

برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری سه‌سطحی استفاده شده است.

الگوی سه‌گانه ثابت در بیشتر نامه‌ها	شیوه آغاز (حمد، ستایش، شکایت، خطاب مستقیم) - بدنه (امر، گزارش، عاطفه، پند) - پایان (دعا، تهدید، نتیجه)	ساختار (صورت)
دسته‌بندی بر اساس هدف ارتباطی	نوع مضمون: جنگی، صلح‌جویانه، استرحامی، استدعایی، عاشقانه، متفرقه	محتوا (معنا)
جایگاه هر نامه در روایت	پیشبرد پیرنگ، ایجاد تعلیق، گره‌افکنی یا گره‌گشایی، مشروعیت‌بخشی	کارکرد (نقش روایی)

به علاوه، برای هر نامه متغیرهای کمی زیر نیز ثبت شد:

- تعداد ابیات (به عنوان شاخص طول نامه)،
 - نسبت اجتماعی فرستنده/گیرنده (بالادست→پایین دست، پایین دست→بالادست، همسطح، خانوادگی)،
 - موقعیت داستانی (جنگ، صلح، دیوانی، خانوادگی)،
 - نوع لحن (تهدیدی، نرم، اداری، تند، ترغیبی).
- با این روش، امکان مقایسه آماری و ترسیم نمودارهای توزیع داده‌ها فراهم شد.

شیوه تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری اطلاعات، هر نامه بر اساس شاخصها فوق بررسی و کدگذاری گردید. سپس فراوانی هر ویژگی (مثلاً نوع لحن یا موضوع) شمارش شد.

به عنوان مثال:

- از میان ۷۴ نامه، ۲۵٪ تهدیدی، ۲۵٪ نرم یا ملایم، ۲۰٪ تند یا گزنده، ۲۰٪ اداری/رسمی و ۱۰٪ ترغیبی بودند.
 - از نظر مضمون، ۲۵٪ جنگی، ۲۰٪ صلح‌جویانه، ۲۰٪ استرحامی، ۱۵٪ دیوانی، ۱۰٪ عاشقانه و ۱۰٪ متفرقه به دست آمد.
 - از لحاظ روابط فرستنده و گیرنده، ۴۵٪ از بالادست به پایین دست، ۳۰٪ از پایین دست به بالادست، ۲۰٪ میان هم‌رتبه‌ها و ۵٪ خانوادگی بودند.
 - در بررسی طول، ۴۰٪ کوتاه (زیر ۲۰ بیت)، ۳۵٪ متوسط (۲۰ تا ۵۰ بیت) و ۲۵٪ بلند (بیش از ۵۰ بیت) گزارش شد.
- این نتایج در پایان نامه به صورت جدول و نمودار آماری آمده است و مبنای بخش «یافته‌ها» در مقاله محسوب میشود.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

مقدمه تحلیل

داده‌های استخراج شده از هفتاد و چهار نامه کتبی شاهنامه، پس از کدگذاری بر اساس سه محور ساختار، محتوا و کارکرد روایی، به صورت آماری و تحلیلی بررسی شدند. هدف از این تحلیل، کشف الگوهای تکرارشونده در شیوه نگارش، مضمون و نقش نامه‌ها در روایت است. نتایج نشان می‌دهد که فردوسی در نامه نگاری نه تنها از سنت دبیران ایرانی بهره برده، بلکه آن را به ابزاری ادبی و روایی برای گسترش معنا و تحول داستان تبدیل کرده است.

تحلیل ساختاری نامه‌ها

الگوی آغاز (افتتاحیه)

بررسی ساختار آغازین نامه‌ها نشان داد که بیشتر نامه‌ها با یاد خداوند و آفرین بر گیرنده شروع میشوند. در حدود ۳۵ درصد از نامه‌ها، نویسنده پس از ستایش الهی یا گیرنده، بلافاصله به اصل مطلب می‌پردازد. نمونه‌هایی از این نوع آغاز در نامه‌های فریدون به سلم و تور و زال به سام دیده میشود. در مقابل، حدود ۱۵ درصد از نامه‌ها با لحنی شکایت آمیز یا سرزنش آمیز آغاز میشوند، مانند نامه سیاوش به کیکاووس، که از بیمهری پدر شکوه میکند. باقی نامه‌ها آغاز مستقیم دارند؛ یعنی بدون مقدمه، با امر یا درخواست اصلی شروع میشوند، مانند نامه رستم به شاه هاماوران. نتیجه: سنت دبیری آغاز با ستایش و دعا، در شاهنامه نیز بازتاب یافته است و نشان دهنده ادب، احترام و مشروعیت بخشی به فرستنده و مخاطب است.

بدنه نامه‌ها (میان‌ه یا اصل پیام)

بدنه نامه‌ها معمولاً شامل بخش اصلی پیام است؛ یعنی جایی که فرمان، گزارش، هشدار یا اندرز بیان میشود. تحلیل نشان داد که چهار شیوه اصلی در بدنه نامه‌ها وجود دارد:

۱. امر و فرمان صریح (۲۸٪): مانند نامه‌های کاووس و کیخسرو.
۲. درخواست یا التماس محترمانه (۲۲٪): مانند نامه زال به سام یا منیژه به بیژن.
۳. انذار و هشدار (۲۰٪): مانند نامه فریدون به سلم و تور.
۴. گزارش یا شرح واقعه (۳۰٪): مانند نامه‌های دیوانی و نظامی بین سرداران و شاهان.

نتیجه: در بدنه نامه‌ها، «گزارش و فرمان» بیشترین بسامد را دارد، که با ماهیت سیاسی و حکومتی بیشتر نامه‌ها سازگار است.

پایان (خاتمه)

پایان نامه‌ها در شاهنامه اغلب با یکی از سه شیوه زیر همراه است:

- دعا و آرزوی خیر (۴۰٪)، تهدید و وعید (۳۵٪)، نتیجه‌گیری یا پایان‌بندی بیانی (۲۵٪)

ختم دعاگونه بیشتر در نامه‌های دوستانه و خانوادگی، و ختم تهدیدی در نامه‌های سیاسی و جنگی دیده میشود. برای نمونه، نامه زال به سام با دعای خیر پایان می‌یابد، اما نامه کاووس به شاه مازندران با تهدید آشکار خاتمه می‌پذیرد. نتیجه: فردوسی با انتخاب پایان متناسب با موقعیت، نوعی هماهنگی میان لحن و محتوا ایجاد کرده و از طریق ساختار، معنا را تقویت کرده است.

تحلیل محتوایی نامه‌ها

طبقه‌بندی موضوعی

بر اساس اهداف و مضمونها، نامه‌ها در شش دسته اصلی جای می‌گیرند:

نوع نامه	درصد تقریبی از کل	نمونه شاخص
جنگی یا تهدیدی	۲۵٪	نامه کاووس به شاه مازندران
صلح و سیاست ورزی	۲۰٪	نامه کیخسرو به رستم
استرحامی (درخواست یاری)	۲۰٪	نامه زال به سام
استدعایی یا دیوانی	۱۵٪	نامه‌های سام به منوچهر
عاشقانه یا عاطفی	۱۰٪	نامه رودابه به زال
متفرقه و شخصی	۱۰٪	نامه‌های پندآمیز و گزارش‌های خاص

این تنوع محتوایی نشان می‌دهد که فردوسی، برخلاف بسیاری از حماسه سرایان دیگر، حماسه را فقط میدان نبرد نمی‌داند؛ بلکه عرصه ارتباط انسانی، احساسات و خردورزی نیز هست.

لحن و سبک بیان

از نظر لحن، پنج گونه اصلی شناسایی شد:

- تهدیدی: ۲۵٪ (مانند نامه رستم به شاه هاماوران)
- نرم و ملایم: ۲۵٪ (مانند نامه زال به سام)
- اداری یا رسمی: ۲۰٪ (مانند نامه‌های سام و گودرز)، تند و گزنده: ۲۰٪ (مانند نامه‌های افراسیاب و کاووس)، ترغیبی: ۱۰٪ (مانند نامه‌های منیژه و سیاوش)

تحلیل: غلبه دو لحن تهدیدی و نرم، نشان دهنده دو قطب اصلی روابط انسانی در شاهنامه است: اقتدار و عطف. فردوسی از طریق زبان نامه‌ها، تقابل قدرت و اخلاق را در سراسر روایت متوازن کرده است.

موقعیت و مضمون ارتباطی

تحلیل روابط فرستنده و گیرنده نشان می‌دهد:

۴۵٪ نامه‌ها از بالادست به پایین دست (پادشاه به فرمانبر)، ۳۰٪ از پایین دست به بالادست (پهلوان به شاه)، ۲۰٪ میان هم رتبه‌ها (دو فرمانده یا دو شاه)، ۵٪ خانوادگی (پدر-فرزند، همسران)

این نسبتها بیانگر آن است که بخش اعظم نامه‌ها در خدمت تثبیت یا بازنمایی قدرت سیاسی است. در عین حال، حضور معنادار نامه‌های خانوادگی یا عاطفی نشان میدهد فردوسی حتی در متن حماسه، پیوندهای انسانی را نادیده نگرفته است.

تحلیل کارکردی (نقش نامه‌ها در پیشبرد روایت)

بررسی متن‌ها نشان داد که نامه‌ها سه کارکرد اصلی در ساخت روایت دارند: کارکرد آغازین (پیش برنده): برخی نامه‌ها آغازگر ماجرای بزرگند؛ مثل نامه فریدون به سلم و تور که نقطه شروع انتقام و نبردهای بعدی است. در این نوع، نامه محرک اصلی روایت است. کارکرد میانی (گره افکن یا هشداردهنده): نامه‌هایی که میان دو کنش بزرگ قرار دارند و بحران یا تردید را شکل میدهند، مثل نامه سیاوش به کیکاووس یا افراسیاب به سهراب. این نوع نامه‌ها معمولاً تنش روایی را افزایش میدهند. کارکرد پایانی (گره گشایانه): نامه‌هایی که به پایان یا آرامش منجر میشوند، مانند نامه کیخسرو به رستم برای نجات بیژن یا وصیت نامه نوشیروان به هرمزد. نتیجه کلی: نامه‌ها در شاهنامه نه تنها در خدمت روایتند، بلکه به منزله ابزار سازمان‌دهی درام نیز عمل میکنند؛ یعنی روایت را در مسیرهای منطقی، احساسی و اخلاقی هدایت میکنند.

تحلیل دوره‌ای (بر حسب سلسله‌های داستانی)

تقسیم‌بندی دوره‌ای نشان داد که:

- دوره کیانیان (۴۰٪ از کل نامه‌ها): اوج تنوع و پیچیدگی در مضمون و لحن؛
 - دوره پیشدادیان (۳۰٪): نامه‌ها بیشتر حالت اندرز یا هشدار دارند؛
 - دوره ساسانیان (۲۰٪): لحن دیوانی و سیاسی‌تر؛
 - سایر دوره‌ها (۱۰٪): پراکنده اما بیشتر اخلاقی یا خانوادگی.
- این تحلیل نشان میدهد که فردوسی در دوره کیانیان، مفهوم «قدرت و مشروعیت» را بیش از هر زمان دیگر از طریق نامه‌ها بیان کرده است.

جمع‌بندی یافته‌ها

با توجه به داده‌های استخراجی، میتوان نتایج زیر را به عنوان الگوی کلی نامه‌نگاری در شاهنامه ارائه کرد:

شاخص	بیشترین فراوانی	کارکرد غالب
شیوه آغاز	یاد خدا و ستایش گیرنده	احترام، مشروعیت
لحن	تهدیدی و نرم	قدرت در برابر اخلاق
مضمون	جنگی و استرحامی	تقابل زور و نیاز

شاخص	بیشترین فراوانی	کارکرد غالب	حجم
دوره روایی	نسبت اجتماعی	بالادست → پایین‌دست	سلسله‌مراتب قدرت
کیانیان	تمرکز بر سیاست و حکومت		

فردوسی با بهره‌گیری از قالب نامه، نوعی زبان دوگانه خلق کرده است: یکی زبان قدرت، که فرمان می‌دهد و تهدید میکند؛ دیگری زبان عاطفه و خرد، که می‌طلبد. ترکیب این دو زبان، سبب شده است که نامه‌ها در شاهنامه نه تنها حامل پیامهای شخصی یا حکومتی باشند، بلکه بخشی از فلسفه انسان گرایانه فردوسی را نیز بازتاب دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی کلی

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ساختاری و محتوایی نامه‌های کتبی در شاهنامه انجام شد. از میان تمامی موارد نامه نگاری در این اثر، ۷۴ نامه کتبی شناسایی شد که بر اساس سه محور «ساختار»، «محتوا» و «کارکرد روایی» مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به روشنی نشان داد که نامه‌ها در شاهنامه نه تنها ابزار انتقال پیام، بلکه ابزار پیشبرد پیرنگ، گره افکنی، گره گشایی و نمایش روابط قدرت و اخلاق هستند.

در سطح ساختاری، تقریباً تمام نامه‌ها از الگوی سه گانه آغاز (حمد یا درود)، بدنه (امر، گزارش یا پند) و پایان (دعا یا تهدید) پیروی میکنند. این نظم درونی، نشانه وجود یک سنت دبیری ریشه دار در فرهنگ ایرانی است که فردوسی با دقت آن را در اثر خود بازتاب داده است.

در سطح محتوایی، نامه‌ها بازتاب دهنده تمام ابعاد حیات انسانیند: جنگ و صلح، قدرت و فرمان، عشق و اندوه، وفاداری و خیانت. از نظر آماری، نامه‌های جنگی (۲۵٪) و استرحامی (۲۰٪) بیشترین بسامد را دارند، که خود نشانگر دو قطب اصلی اندیشه فردوسی است: نبرد و اخلاق.

در سطح کارکردی، نامه‌ها سه نقش اساسی در روایت دارند:

۱. پیش برنده ماجرا (مانند نامه فریدون به سلم و تور)،
۲. گره افکن یا هشداردهنده (مانند نامه سیاوش به کیکاووس)،
۳. گره گشا و نتیجه بخش (مانند نامه کیخسرو به رستم).

این تقسیم بندی نشان می‌دهد که فردوسی از نامه به عنوان «واحدی روایی» بهره برده است؛ هر نامه در لحظه‌ای از روایت ظاهر میشود که تصمیم، بحران یا تحول در پیش است. از این رو، میتوان گفت که در معماری داستانی شاهنامه، نامه‌ها مانند ستونهای پنهانیند که بنای روایت بر آنها استوار است.

تحلیل محتوای ضمنی و اخلاقی

در تحلیل محتوایی عمیقتر، روشن شد که نامه‌ها علاوه بر ارزش حماسی و سیاسی، حامل پیامهای اخلاقی و انسانیند. در بسیاری از نامه‌ها – مانند نامه زال به سام، سیاوش به کیکاووس، یا منیژه به بیژن – صدای صداقت، عدالت و خردورزی طنین انداز است.

فردوسی از طریق این نامه‌ها، ارزشهایی چون مشورت، فروتنی، دادگری و اعتدال در قدرت را تبلیغ میکند. در مقابل، نامه‌های تهدیدی و تند (مثل نامه‌های افراسیاب یا کاووس) اغلب نماد غرور و خودکامگیند و معمولاً به شکست و پشیمانی می‌انجامند. این تقابل نشان میدهد که فردوسی از زبان نامه‌ها برای نقد قدرت و ستایش خرد و گفتگو بهره برده است.

از منظر بلاغی نیز، شاعر با مهارت تمام از تضاد، تشبیه، واج آرایی و ایجاز برای القای لحن و احساس بهره گرفته است. نامه‌های تهدیدی معمولاً ایجاز و فرمان دارند، در حالیکه نامه‌های استرحامی و عاطفی سرشار از موسیقی و نرمی بیانند. این دقت بلاغی، ارزش ادبی نامه‌ها را فراتر از گزارشهای ساده میبرد و آنها را به قطعاتی مستقل و شاعرانه تبدیل میکند.

نسبت نامه‌ها با نظام قدرت در شاهنامه

یافته‌ها نشان داد که حدود ۴۵٪ از نامه‌ها از سوی بالادست به پایین دست نوشته شده‌اند و تنها ۳۰٪ از پایین دست به بالادست. این نسبت بیانگر تسلط گفتمان قدرت در ساختار نامه نگاری است. اما در همین چارچوب، فردوسی نشان میدهد که قدرت حقیقی نه در فرمان دادن، بلکه در خرد، گفتگو و مدارا است. به عنوان نمونه، نامه کیخسرو به رستم آکنده از احترام و اعتماد متقابل است و همین رابطه انسانی، کل مأموریت نجات بیژن را ممکن میسازد. از اینرو، فردوسی در قالب نامه، ایده آل خود از پادشاهی را ترسیم میکند: پادشاه دانا، دادگر و خردمند که با گفتگو فرمان میراند، نه با خشونت.

توازن زبان قدرت و زبان عاطفه

در مجموع، زبان نامه‌ها در شاهنامه میان دو قطب در نوسان است:

۱. زبان قدرت که بر امر و تهدید استوار است، ۲. زبان عاطفه و خرد که بر پند و خواهش بنا شده است.
- این دو زبان در کنار هم، ساختاری دیالکتیکی پدید می‌آورند که اساس اندیشه فردوسی را تشکیل میدهد: قدرت بدون خرد تباه است، و خرد بدون اقتدار بی اثر. نامه‌ها دقیقاً محل تلاقی این دو نیرو هستند؛ جایی که انسان حماسی در برابر دیگری میایستد، اما هنوز به نیروی کلام و اقناع ایمان دارد. از این جهت، نامه نگاری در شاهنامه نه تنها روایتگر تاریخ است، بلکه نماد تمدن ایرانی و ارزش گفتگو در دل حماسه است.

نتیجه نهایی

در یک نگاه کلی، میتوان چنین جمع بندی کرد:

- نامه‌ها در شاهنامه ابزاری برای پیوند میان قدرت و اخلاقند.
- ساختار منظم آنها (آغاز، بدنه، پایان) نشان از وجود سنت دبیری و ادب در بیان دارد.
- محتوای متنوع آنها از جنگ تا عشق، از سیاست تا اندرز، گویای نگاه جامع فردوسی به انسان است.
- لحنهای متقابل تهدید و ترغیب، عقل و احساس، نشانه تلاش شاعر برای برقراری تعادل میان نیروی شمشیر و نیروی قلم است.

به این ترتیب، میتوان گفت فردوسی با بهره گیری از عنصر نامه، بعد تازه‌ای به حماسه خود افزوده است:

«دیپلماسی قلم در کنار دلاوری»

نامه‌های شاهنامه از این منظر نه فقط گفتگو میان اشخاص، بلکه گفتگوی اندیشه‌ها و ارزشها هستند؛ جایی که

خرد ایرانی در قالب کلام حماسی، خود را به زیباترین شکل بازمینمایاند.

پیوست یک: تحلیل نامه فریدون به سلم و تور به عنوان نمونه برای نشان دادن روش کار در این مقاله:

یکی نامه بنوشت شاه زمین | به خاورخدای و به سالار چین

سر نامه کرد آفرین خدای | کجا بود و باشد همیشه به جای

دگر گفت کاین نامه پندمند | به نزد دو خورشید گشته بلند

دو سنگی، دو جنگی، دو شاه زمین | میان کیان چون درخشان نگین

از آنکس که هرگونه دیده جهان | شده آشکارا بر اوبر نهان

گراینده گرز و تیغ گران | فروزنده نامدار افسران

نماینده شب به روز سپید | گشاینده گنج پیش امید

همه رنجه‌ها گشته آسان بر او | به راه روشن اندرآورده روی

نخواهم همی خویشتن را کلاه | نه آگنده گنج و نه تاج و نه گاه

سه فرزند را خواهم آرام و ناز | از آن پس که بردیم رنج دراز

برادر کز او بود دلتان به درد | و گر چند هرگز نزد باد سرد

دوان آمد از بهر آزارتان | همان آرزومند دیدارتان

بیفگند شاهی، شما را گزید | چنان کز ره نامداران سزید

ز تخت اندرآمد به زین برنشست | برفت و میان بندگی را بست

بدان کو به سال از شما که‌ترست | نوازیدن مهتر، اندرخورست!

گرامیش دارید و نوشه خورید! | چو پرورده شد تن، روان پرورید!

چون از بودنش بگذرد روز چند | فرستید باز منش ارجمند! (شاهنامه، تصحیح خالقی مطلق، جلد اول، ص. ۶۹)

۱- تحلیل ساختاری و محتوایی:

• **جایگاه فرستنده و گیرنده:** فرستنده فریدون، پادشاه پیشدادی و پدر سلم و تور است. گیرندگان، دو شاه نیرومند و فرمانروای شرق و چینند که پیشتر از او بخشش یافته اما مرتکب قتل ایرج شده‌اند. این نامه از جایگاه پدر و در عین حال شاه مقتدر نوشته شده است. فریدون هم اندرز و هم هشدار می‌دهد.

• **تعداد ابیات و حجم نامه:** نامه حدود ۲۰-۲۲ بیت است و حجم آن نسبتاً بلند است؛ این حجم برای بیان اندرز، سرزنش و معرفی جانشین ایرج (منوچهر) کاملاً مناسب است.

• **موقعیت ارسال:** نامه پس از سوگ ایرج و در زمانی فرستاده می‌شود که فریدون تصمیم دارد مرحله انتقام و کینخواهی را آغاز کند. موقعیت، موقعیت هشدار و تهدید غیرمستقیم است.

• **شیوه شروع نامه:** آغاز نامه با ستایش خداوند ازل و ابدی است («سر نامه کرد آفرین خدای»). سپس با احترام و تشبیه زیبا سلم و تور را «دو خورشید» و «دو نگین درخشان» می‌خواند. این شروع، ظاهری آرام و احترام‌آمیز دارد و نشان می‌دهد فریدون هنوز رسم ادب را رعایت می‌کند.

• **ماهیت محتوای نامه:** محتوای نامه ترکیبی از اندرز و اعلان رسمی جانشینی است. فریدون نخست یادآوری می‌کند که دیگر جاه و مقام نمی‌خواهد («نه تاج و نه گاه») و تنها آسایش فرزندان را می‌جوید. سپس برادرکشی سلم و تور را یادآوری می‌کند، و در پایان جانشین ایرج (منوچهر) را معرفی و به آنها می‌سپارد. این معرفی در واقع مقدمه‌ای برای بازگشت منوچهر و گرفتن انتقام است.

• **زبان و لحن به کار رفته:** لحن نامه متین، اندوهگین و اندرزگونه است اما در لایه زیرین، تهدید و هشدار وجود دارد. فریدون نه با خشم مستقیم، بلکه با آرامش پدرا نه سخن میگوید تا سلم و تور را در موقعیتی اخلاقی و دفاعی قرار دهد.

۲- تحلیل ادبی و بلاغی:

• **واژگان و تعبیرات:** واژگان نامه سرشار از تصویرهای شکوه‌آمیز است: «دو خورشید»، «درخشان نگین»، «گراینده گرز»، «گشاینده گنج»، «روز سپید». حتی واژگان قدرت (گرز، تیغ، افسر) در اینجا رنگ صلح و آرامش به خود گرفته‌اند.

جایگاه بلاغت و صنایع ادبی:

• **تشبیه:** سلم و تور به «دو خورشید» و «دو نگین» تشبیه شده‌اند که نماد درخشندگی و جایگاه بالاست.

• **کنایه:** «نه آکنده گنج و نه تاج و نه گاه» کنایه از بی‌اعتنایی به مقام و قدرت و تمرکز بر آرامش و جانشینی است.

• **مراعات نظیر:** ترکیبهای سه‌گانه («تاج و گنج و گاه»، «گرز و تیغ و افسر») که آهنگ و هارمونی ایجاد میکنند.

• **تکرار و موازی سازی:** تکرار «دو» در «دو سنگی، دو جنگی، دو شاه زمین» تأکید بر برابری و قدرت دو شاه دارد.

• **آهنگ نرم و آرام:** واج آرای با صامتهای نرم (م، ن، ر) فضای پندآمیز و آرامش بخش ایجاد میکند، متناسب با لحن اندرزنامه.

۳- جایگاه روایی نامه:

• **دوره قرارگیری:** این نامه در نیمه دوم داستان فریدون و پسرانش قرار دارد، پس از مرگ ایرج و پایان دوره اندوه فریدون.

• **کارکرد در داستان:** این نامه نقطه آغاز فصل کینخواهی است؛ در آن فریدون ضمن سرزنش سلم و تور، جانشین ایرج (منوچهر) را معرفی میکند و با سفارش به پرورش او، عملاً زمینه نبرد آینده و پلایان تراژدی را فراهم میآورد.

پیوست دو: فهرست نامه‌های بررسی شده:

۱) نامه فریدون به سلم و تور (جلد اول، ص. ۶۹). ۲) فتح‌نامه منوچهر به فریدون (جلد اول، ص. ۸۵). ۳) نامه دوم منوچهر به فریدون (جلد اول، ص. ۹۱). ۴) نامه زال به سام (جلد اول، ص. ۱۱۹). ۵) نامه سام به منوچهر شاه (جلد اول، ص. ۱۳۴). ۶) پاسخ سام به منوچهر شاه (جلد اول، ص. ۱۴۷). ۷) نامه پشنگ به کیقباد (جلد اول، ص. ۱۹۵). ۸) نامه شاه کاووس به شاه مازندران (جلد اول، ص. ۲۲۳). ۹) نامه دوم کاووس به شاه مازندران (به‌وسیله رستم) (جلد اول، ص. ۲۲۵). ۱۰) نامه کاووس شاه به سالار نیمروز (عهد و فرمان شاهی برای رستم) (جلد اول، ص. ۲۳۳). ۱۱) نامه رستم به شاه هاماوران (جلد اول، ص. ۲۴۳). ۱۲) نامه شاه هاماوران به پادشاهان

مصر و بربر (جلد اول، ص. ۲۴۴) ۱۳ نامه شاه مصر/بربر به افراسیاب (جلد اول، ص. ۲۴۶) ۱۴ نامه افراسیاب به سهراب (جلد اول، ص. ۲۶۷) ۱۵ نامه گژدهم به کاووس شاه (جلد اول، ص. ۲۷۱) ۱۶ نامه کاووس شاه به رستم (جلد اول، ص. ۲۷۳) ۱۷ نامه سیاوش به کاووس (جلد اول، ص. ۳۲۸) ۱۸ پاسخ کاووس به سیاوش (جلد اول، ص. ۳۲۹) ۱۹ نامه سیاوش به کی کاووس (جلد اول، ص. ۳۳۸) ۲۰ گفتار اندر پاسخ نامه سیاوش از کی کاووس (جلد اول، ص. ۳۴۱) ۲۱ نامه افراسیاب به سیاوش (جلد اول، ص. ۳۴۸) ۲۲ نامه سیاوش به کی کاووس (پاسخ) (جلد اول، ص. ۳۴۹) ۲۳ نامه افراسیاب به سیاوش (جلد اول، ص. ۳۶۸) ۲۴ نامه سیاوش به افراسیاب (جلد اول، ص. ۳۸۳) ۲۵ نامه کیخسرو به فریبرز کاووس (جلد اول، ص. ۴۹۹) ۲۶ نامه رستم به کیخسرو (جلد دوم، ص. ۶۰۷) ۲۷ پاسخ نامه کیخسرو به رستم (جلد دوم، ص. ۶۱۰) ۲۸ نامه افراسیاب به پولادوند (جلد دوم، ص. ۶۲۱) ۲۹ نامه کیخسرو به رستم (جلد دوم، ص. ۶۶۱) ۳۰ نامه گودرز به کیخسرو (جلد دوم، ص. ۷۲۷) ۳۱ پاسخ نامه گودرز از کیخسرو (جلد دوم، ص. ۷۳۰) ۳۲ نامه پیران و یسه به گودرز (جلد دوم، ص. ۷۳۴) ۳۳ پاسخ گودرز به پیران و یسه (جلد دوم، ص. ۷۳۸) ۳۴ نامه کیخسرو به کیکاووس (جلد دوم، ص. ۸۲۴) ۳۵ نامه افراسیاب به بغیور چین (جلد دوم، ص. ۸۳۲) ۳۶ نامه کیخسرو به کاوس (جلد دوم، ص. ۸۴۸) ۳۷ پاسخ نامه کیخسرو از کاوس (جلد دوم، ص. ۸۶۲) ۳۸ نامه ارجاسپ به گشتاسپ (جلد سوم، ص. ۴۴) ۳۹ پاسخ نامه گشتاسپ به ارجاسپ (جلد سوم، ص. ۴۷) ۴۰ نامه اسپندیار به گشتاسپ شاه (جلد سوم، ص. ۱۳۰) ۴۱ پاسخ نامه اسفندیار از گشتاسپ (جلد سوم، ص. ۱۳۱) ۴۲ نامه رستم به گشتاسپ (جلد سوم، ص. ۱۹۸) ۴۳ نامه دارا به اسکندر (جلد سوم، ص. ۲۵۵) ۴۴ متن نامه اسکندر به کارداران ایران (جلد سوم، ص. ۲۶۱) ۴۵ نامه اسکندر به مادر روشنک (جلد سوم، ص. ۲۶۵) ۴۶ نامه اسکندر به روشنک (جلد سوم، ص. ۲۶۶) ۴۷ نامه اسکندر به کیدهند (جلد سوم، ص. ۲۷۴) ۴۸ پاسخ نامه کیدهند به اسکندر (جلد سوم، ص. ۲۷۵) ۴۹ نامه اسکندر به قور شاه هند (جلد سوم، ص. ۲۸۳) ۵۰ پاسخ قور به نامه اسکندر (جلد سوم، ص. ۲۸۴) ۵۱ نامه اسکندر به قیدافه (جلد سوم، ص. ۲۹۲) ۵۲ نامه بغیور چین به اسکندر (جلد سوم، ص. ۳۲۸) ۵۳ نامه اسکندر به مادرش (آخرین نامه) (جلد سوم، ص. ۳۳۴) ۵۴ نامه بهرام هور به بهرام گور (جلد سوم، ص. ۵۳۰) ۵۵ نامه بهرام گور به نرسی (جلد سوم، ص. ۵۴۴) ۵۶ نامه بهرام گور به مهتران و باژ افگندن (جلد سوم، ص. ۵۴۷) ۵۷ نامه نوشین‌روان به قیصر (جلد چهارم، ص. ۶۳۹) ۵۸ پاسخ قیصر به نوشین‌روان (جلد چهارم، ص. ۶۴۰) ۵۹ نامه خاقان چین به نوشین‌روان (جلد چهارم، ص. ۷۰۹) ۶۰ نامه نوشین‌روان به هرمزد (جلد چهارم، ص. ۷۷۳) ۶۱ نامه بهرام چوبینه به هرمزدشاه (جلد چهارم، ص. ۸۴۶) ۶۲ پاسخ نامه هرمزدشاه به نامه بهرام (جلد چهارم، ص. ۸۴۶) ۶۳ نامه خسرو پرویز به قیصر روم (جلد چهارم، ص. ۹۳۱) ۶۴ نامه خسرو پرویز به قیصر روم (نامه دوم) (جلد چهارم، ص. ۹۵۸) ۶۵ نامه خسرو پرویز به خاقان چین (جلد چهارم، ص. ۹۷۳) ۶۶ نامه خسرو پرویز به گردیه (جلد چهارم، ص. ۹۹۵) ۶۷ نامه گردیه به خسرو پرویز (جلد چهارم، ص. ۹۹۷) ۶۸ نامه خسرو پرویز به قیصر (جلد چهارم، ص. ۱۰۰۵) ۶۹ نامه قیصر به خسرو پرویز (جلد چهارم، ص. ۱۰۰۷) ۷۰ پاسخ خسرو پرویز به قیصر روم (جلد چهارم، ص. ۱۰۰۹) ۷۱ نامه رستم فرخزاد به برادرش (جلد

چهارم، ص. ۱۰۸۲ (۷۲) نامه رستم فرخزاد به سعد بن ابی وقاص (جلد چهارم، ص. ۱۰۸۶) (۷۳) نامه سعد بن ابی وقاص به رستم (جلد چهارم، ص. ۱۰۸۸) (۷۴) پاسخ رستم به نامه سعد (جلد چهارم، ص. ۱۰۸۹)

REFERENCES

- Ferdowsi, Abolghasem. *Shahnameh*. Edited by Jalal Khaleghi-Motlaq. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Ferdowsi, Abolghasem. *Shahnameh (Critical Text Based on the Moscow Edition)*. With the Efforts of Saeed Hamidian. Tehran: Ghatre, 1995.
- Sarami, Ghadamali. *From the Color of the Flower to the Pain of Thorns: Stories of the Shahnameh*. Tehran: Scientific and Cultural, 1994.
- Rastegar Fasaee, Mansour. *Twenty-One Discourses on Ferdowsi's Shahnameh*. Tehran: Bonyad Shahnameh, 1997.
- Rashed Muhsal, Jalil. "Messages in Ferdowsi's Shahnameh". In: *Collection of Articles Commemorating Ferdowsi*. Tehran: National Works Association, 1977.
- Moin al-Din, Abolfazl. "Types of Letters in the Shahnameh". In: *Articles of the First Conference on Persian Language and Literature Research*. Tehran: Iran Studies Foundation, 1980.
- Hosseini-Tabar, Seyedeh Fatemeh et al. "A Study of the Letters of Ferdowsi's Shahnameh from a Stylistic Perspective..." *Bahar Adab*, 15(73), 179–197, 2022.
- Dostkhah, Jalil. *Ferdowsi's Shahnameh: A Dilemma in Text and Context*. Tehran: Markaz Publishing House, 2000.
- Dehghan, Ali. *Letter Writing in Persian*. Tehran: Fannameh, 2007.
10. Christiansen, Arthur. *Iran in the Sasanian Era*. Translated by Rashid Yasemi. Tehran: Negah, 2008.

فهرست منابع فارسی

- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه. به تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه (متن انتقادی بر اساس چاپ مسکو). به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره، ۱۳۷۴.
- سرامی، قدمعلی. از رنگ گل تا رنج خار: داستانهای شاهنامه. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- رستگار فسایی، منصور. بیست و یک گفتار درباره شاهنامه فردوسی. تهران: بنیاد شاهنامه، ۱۳۷۵.
- راشد محصل، جلیل. «پیام نامه‌ها در شاهنامه فردوسی». در: مجموعه مقالات بزرگداشت فردوسی. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.

- معین‌الدینی، ابوالفضل. «انواع نامه در شاهنامه». در: مقالات نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۰.
- حسینی‌تبار، سیده فاطمه و همکاران. «بررسی نامه‌های شاهنامه‌ی فردوسی از منظر سبک‌شناسی...» بهار ادب، ۱۵(۷۳)، ۱۷۹-۱۹۷، ۱۴۰۱.
- دوستخواه، جلیل. شاهنامه فردوسی: درنگی در متن و زمینه. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- دهقان، علی. نامه‌نگاری در زبان فارسی. تهران: فن‌نامه، ۱۳۸۶.
- کریستینسن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: نگاه، ۱۳۸۷.

معرفی نویسندگان

امید مجد: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: majdomid@ut.ac.ir)

(ORCID: 0009-0003-3655-3427)

مریم فتحعلی‌پور سالویی: دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: mrym.fathalipour@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-5860-4583)

محمد فتحعلی‌پور سالویی: دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: fardadfat8@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-5935-0502)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Omid Majd: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: majdomid@ut.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0003-3655-3427)

Maryam Fathalipour Salovee: Master's degree in Persian Language and Literature, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: mrym.fathalipour@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-5860-4583)

Mohammad Fathalipour Salovee: Master's degree in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: fardadfat8@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-5935-0502)